

شرایط اساسی قراردادهای بالادستی نفت جهت واگذاری به شرکتهای بین‌المللی نفتی

عبدالحسین شیروی^۱✉، محمود باقری^۲، سید عمادالدین طباطبایی^۳

چکیده

زمینه و هدف: شروط قراردادهای بالادستی نفت و گاز اهمیت بسزایی برای شرکتهای بین‌المللی نفت و دولتهای صاحب مخزن دارد. واگذاری قراردادهای بالادستی نفت و گاز به شرکتهای بین‌المللی نفت خارجی اجازه می‌دهد تا مدت نسبتاً طولانی در میادین نفتی کشور صاحب مخزن جهت اکتشاف، استخراج و تولید نفت حضور داشته باشند. علاوه بر مدل قراردادی، مواردی مانند طرفین قرارداد، مالکیت، الزامات قانونی، هزینه و بازپرداخت آن و میزان حق الزحمه از جمله شروطی می‌باشد که بر جذابیت قراردادهای نفتی تأثیر شگرفی دارد.

روش: پژوهش حاضر با روش توصیفی - تحلیلی انجام شده است.

یافته‌ها و نتایج: دولت مرکزی عراق از مدل قراردادهای خدماتی برای توسعه میادین خود استفاده می‌نماید. مدل مذکور که آخرین نمونه آن در سال ۲۰۱۸ رونمایی شده است، تفاوت‌هایی با قراردادهای بیع متقابل ایران و مشابهت‌های با مدل قرارداد جدید نفت ایران دارد. کشور ایران نیز مانند کشور عراق از قراردادهای خدماتی برای توسعه و تولید میادین نفتی خود بهره می‌گیرد. نظر به تجربه طولانی و مشابهت فرهنگی، دینی و جغرافیایی دو کشور، بررسی مفاد و شروط قراردادهای این دو کشور می‌تواند نقاط قوت و ضعف قراردادهای موجود را روشن نموده و شرکت ملی نفت ایران را در طراحی مدل‌های جدید قراردادی و یا اصلاح مدل‌های رایج قراردادهای نفتی یاری نماید.

کلید واژه‌ها: قراردادهای بالادستی نفت، واگذاری، بیع متقابل، قرارداد خدماتی نفت.

* استناددهی (APA): شیروی، عبدالحسین؛ باقری، محمود؛ طباطبایی، سید عماد الدین. (۱۴۰۰). شرایط اساسی قراردادهای بالادستی نفت جهت واگذاری به شرکتهای بین‌المللی نفتی. فصلنامه تحقیقات حقوقی بین‌المللی، ۱۴(۵۳)، ۱-۲۲.
http://alr.iauctb.ac.ir/article_683847.html

۱. استاد دانشکده حقوق، دانشگاه تهران، پردیس فارابی، قم، ایران. (نویسنده مسئول). رایانامه: ashiravi@ut.ac.ir

۲. دانشیار دانشکده حقوق، دانشگاه تهران، تهران، ایران. رایانامه: mahbagheri@ut.ac.ir

۳. دانش آموخته دکتری حقوق بین‌الملل عمومی. رایانامه: emadtaba@gmail.com



مقدمه

نفت همان طلای سیاه هنوز هم یکی از منابع مهم انرژی در دنیا است. در کنار انرژی‌های تجدیدپذیر و پاک نفت همچنان جای خود را به عنوان اصلی‌ترین منبع تأمین انرژی در جهان حفظ کرده است. این ماده حیاتی خود را در اعماق زمین جای داده است فارغ از اینکه برای گوهر سیاه شدن چه سفر دور و درازی را پشت سر گذاشته است. منابع نفتی نه تنها ثروت بالقوه‌ای برای کشور صاحب مخزن محسوب می‌گردد بلکه نقش تأثیرگذاری در روابط بین‌المللی و قدرت سیاسی کشور صاحب مخزن بازی می‌کند. دست یافتن به این گوهر سیاه نیازمند انجام عملیات اکتشافی، لرزه‌نگاری، مطالعات نقشه برداری، زمین‌شناسی، ژئوفیزیک، ژئوشیمی، حفاری، استخراج، بهره‌برداری است. انجام این فعالیتها علاوه بر داشتن تجهیزات و دانش فنی نیازمند هزینه‌های بسیار زیاد است. علاوه بر هزینه که نقش بسیار مهمی در اجرای پروژه‌های نفتی دارد. ریسک بالای کشف میدان تجاری یکی از مهمترین عوامل ایجاد تردید در استفاده از بودجه عمومی برای اکتشاف، توسعه و تولید میادین نفتی است. چرا که این احتمال وجود دارد پس از انجام هزینه‌های بسیار زیاد و کشف میدان نفتی، نفت موجود در میدان به اندازه‌ای نباشد که بتواند هزینه‌های انجام شده را کفاف دهد. ریسک بالای اکتشاف، توسعه و تولید نفت کشورهای صاحب مخزن را به استفاده از خدمات شرکتهای بین‌المللی نفتی سوق داده است. شرکتهای بین‌المللی بواسطه داشتن دانش و تجربه روز صنعت نفت، نیروی انسانی صلاحیت‌دار و منابع مالی کافی، اقدام به انعقاد قراردادهای بالادستی نفت برای اکتشاف، توسعه و تولید نفت در کشورهای نفت خیز می‌نمایند. قراردادهای بالادستی شامل همه فعالیت‌های مرتبط با اکتشاف، توسعه و بهره‌برداری از قبیل نقشه برداری، زمین‌شناسی، حفاری، استخراج، تأمین نیروی انسانی، حراست و غیره می‌باشد که برای بیرون کشیدن نفت خام از دل زمین را ضروری است.

۱. قراردادهای بالادستی نفتی

با توجه به عواملی از قبیل مدت طولانی قراردادهای بالادستی و استیلاي شرکتهای بین‌المللی نفتی بر میادین نفتی، نگرانی از عدم تولید صیانتی، شروط مندرج در قراردادهای نفتی از اهمیت بسزای برخوردار خواهند بود. در ادامه ضمن معرفی قراردادهای بالادستی نفت، برخی از شروط اساسی این قراردادها مورد بررسی قرار می‌گیرد.

۱-۱. قراردادهای امتیازی

قراردادهای امتیازی قراردادهایی هستند که در آن صاحب امتیاز حق بهره‌برداری از منابع و منافع معینی که موضوع امتیاز است را در یک منطقه مشخص جغرافیایی پیدا می‌کند که این امتیاز معمولاً به صورت انحصاری و برای مدت نسبتاً طولانی واگذار می‌گردد. برای مثال، قرارداد

امتیازی داری به مدت شصت سال پیش‌بینی شده بود. البته، پس از پایان جنگ جهانی دوم، قراردادهای امتیازی مطابق با تغییرات سیاسی و اقتصادی تغییر شکل داده که این قراردادهای امتیازی مدرن به شرکتهای بین‌المللی نفتی حق اکتشاف و تولید نفت را در برابر پرداخت همه هزینه‌ها و همچنین، کسر مالیات مرتبط با فعالیت نفتی اعطا می‌نماید (اولیویرا^۱، ۲۰۱۰: ۳۰). مدت قراردادهای جدید امتیازی به یک دوره معقول ۲۵ تا ۳۰ ساله کاهش یافته و نقش کنترلی و نظارتی دولتها نوع قراردادهای افزایش یافته که این کنترل معمولاً از طریق کمیته مشترک یا حضور در هیأت مدیره اعمال می‌شود (شیروی، ۱۳۹۳: ۳۶۱).

۱-۲. قرارداد مشارکت در تولید

قرارداد مشارکت در تولید، قراردادی است که از اواسط دهه ۱۹۶۰ ابتدا توسط اندونزی و سپس، در کشورهای آسیای جنوب شرقی، آمریکای لاتین و برخی از کشورهای خاور میانه بکار گرفته شده است. در این روش، دولت میزبان و یا شرکت ملی نفت آن به عنوان کارفرما و شرکتهای بین‌المللی به عنوان پیمانکار فعالیت می‌کنند. در این قراردادها، شرکتهای بین‌المللی نفتی تعهد می‌نمایند ضمن تأمین منابع مالی مورد نیاز پروژه نفتی صرفاً به اتکای عوائد حاصل از آن پروژه نسبت به ایجاد، توسعه، بازسازی، اصلاح و یا روزآمد کردن طرح نفتی اقدام کنند و بازپرداخت به سرمایه‌گذار از طریق اختصاص بخشی از تولیدات به سرمایه‌گذار انجام خواهد شد (مازیل^۲، ۲۰۱۰: ۱۸). منطقه کردستان عراق سالهاست که از این روش قراردادی برای اکتشاف و توسعه میدین خود استفاده می‌نماید. در واقع، در قرارداد مشارکت در تولید منطقه کردستان عراق، شرکتهای بین‌المللی نفت حق فعالیت در همه چرخه عملیاتی نفت را دارند (جالو^۳، ۲۰۱۳: ۱۲). به عبارت دیگر، این شرکتها به عنوان عامل یا اوپراتور، همه عملیاتی مرتبط با هزینه و ریسک را همراه با کنترل بر نفت در طول عملیات نفتی را انجام می‌دهند و در نهایت، شرکت نفتی به عنوان پیمانکار، همه هزینه‌های خود را از نفت تولید شده مستهلک می‌کند و سود خود را نیز به نسبت سهم خود از نفت می‌برد.

۱-۳. قراردادهای خدماتی

قراردادهای خدماتی نفت به قراردادهایی اطلاع می‌شود که در بخش بالادستی نفت و گاز به کار گرفته می‌شود و در آن، شرکت بین‌المللی نفتی به عنوان پیمانکار عملیات بالادستی را برای دولت صاحب مخزن انجام می‌دهد و در مقابل، دولت صاحب مخزن هزینه‌های انجام گرفته شده را به اضافه مبلغی به عنوان حق‌الزحمه به پیمانکار مسترد می‌دارد. از جمله قراردادهای خدماتی می‌توان

1. OLIVEIRA
2. Mazeel
3. Jalo

به قرارداد بیع متقابل نفتی ایران، قراردادهای خدمات فنی عراق و حتی قراردادهای جدید نفتی ایران اشاره نمود.

۱-۳-۱. قرارداد بیع متقابل

قرارداد بیع متقابل برگرداندن عبارت لاتین «buy-back» است که در ترجمه دقیق به معنای «توافق باز خرید محصول» است (کلایوام اشمیتوف، ۱۳۷۷: ۲۵۱). بیع متقابل یکی از روش‌های تجارت متقابل است که با بایع و مشتری تعهدات اضافه‌ای به غیر از تحویل و تسلیم ثمن و مثنی به عهده می‌گیرند، ماده (۳) قانون تشویق و حمایت از سرمایه‌گذاری خارجی، «بیع متقابل» به عنوان یکی از قراردادهای سرمایه‌گذاری بر شمرده شده است. در ذیل جدول موضوع ماده ۳ آیین‌نامه اجرایی قانون تشویق و حمایت از سرمایه‌گذاری خارجی، «بیع متقابل» این گونه تعریف شده است: «در بیع متقابل، سرمایه‌گذار خارجی منابع مالی نقد و غیرنقدی را برای ایجاد، توسعه و یا نوسازی بنگاه اقتصادی سرمایه‌پذیر در اختیار بنگاه قرار می‌دهد و برگشت سرمایه به صورت کالاها و خدمات تولیدی بنگاه اقتصادی سرمایه‌پذیر و دیگر کالاها تسویه می‌شود.»

در قراردادهای بیع متقابل، برای مثال یک شرکت خارجی متعهد می‌شود از طریق عرضه ماشین‌آلات، مواد، تکنولوژی، دانش فنی و دیگر کمک‌های فنی، مالی و اقتصادی به کشور واردکننده کمک کند تا یک واحد اقتصادی و تولیدی راه‌اندازی کند و در مقابل، موافقت می‌کند که از طریق باز خرید محصولات حاصل از پروژه مورد نظر، هزینه خود را مستهلک نماید (شیروی، ۱۳۸۳: ۱۸).

امروزه، قالب قراردادهای نفت ایران در قالب بیع متقابل است که یک نوع قرارداد خرید خدمات ریسک‌پذیر می‌باشد. قرارداد بیع متقابل نفتی ایران یک نوع قرارداد خرید خدمات خطرپذیر است که هم برای اکتشاف و هم برای توسعه میادین نفتی در ایران به کار می‌رود. از آن جهت آن را خدمت خطرپذیر نام‌گذاری نموده‌اند که بازپرداخت هزینه‌های پیمانکار را موکول به تخصیص بخشی از نفت و گاز تولید شده می‌نماید. قرارداد بیع متقابل نفتی ایران بر قلمرو کاری مشخص، سقف هزینه‌های سرمایه‌ای، حق‌الزحمه ثابت و دوره معین برای بازیافت سرمایه استوار است. دوره بازیافت سرمایه به زمانی موکول می‌شود که میدان تجاری کشف شود (شیروی؛ ابراهیمی و اصغریان، ۱۳۸۸: ۲۵۰) و در صورتی که میدان تجاری کشف نشود، هیچ هزینه و دستمزدی به پیمانکار تعلق نخواهد گرفت.

۱-۳-۲. قراردادهای جدید نفتی ایران

هیأت وزیران دولت ایران در تاریخ ۱۱ آبان ماه سال ۱۳۹۴ به استناد جزء (۳) بند (ت) ماده (۳) و ماده (۷) قانون وظایف و اختیارات وزارت نفت مصوب ۱۳۹۱ شرایط عمومی، ساختار و الگوی

قراردادهای بالادستی نفت و گاز را تصویب کرد. این مصوبه که مورد انتقادات زیادی واقع شد، در نهایت هیأت دولت در جلسه ۱۳ مردادماه سال ۱۳۹۵ با توجه به مفاد سیاست‌های ابلاغی بخش انرژی، بندهای (۱۲)، (۱۳) و (۱۴) سیاست‌های اقتصاد مقاومتی و بندهای (۱۲)، (۱۷) و (۱۸) سیاست‌های کلی برنامه ششم توسعه، ابلاغی از سوی مقام معظم رهبری و با هدف توسعه میدان‌ها، مخزن‌ها با اولویت میداین مشترک، اجرای طرح‌های توسعه میداین، مخازن جدید از اکتشاف تا بهره‌برداری و اجرای طرح‌های صیانت از مخازن (بهبود و افزایش ضریب بازیافت) تا سقف تولید اضافه روزانه یک میلیون بشکه نفت خام و دویست پنجاه میلیون متر مکعب گاز طبیعی، شرایط عمومی، ساختار و الگوی قراردادهای بالادستی نفت تصویب گردید. در این مصوبه، قراردادهای بالادستی نفت به سه دسته تقسیم می‌شوند: دسته اول، قراردادهای اکتشاف و در صورت کشف میدان یا مخزن تجارتي، توسعه میداین یا مخزن تا مرحله بهره‌برداری تا مدت مقرر در قرارداد است. دسته دوم، قراردادهای توسعه میدان‌ها یا مخزن‌های کشف شده و در ادامه، بهره‌برداری از آنها به ترتیب و تا مدت مقرر در قرارداد می‌باشد. دسته سوم، قراردادهای انجام عملیات بهبود یا افزایش ضریب بازیافت در میدان‌ها یا مخزن‌های در حال بهره‌برداری بر پایه مطالعات مهندسی مخزن و در ادامه، بهره‌برداری از آنها به ترتیب و تا مدت مقرر در قرارداد می‌باشد. تفاوت عمده‌ای که قراردادهای جدید با قراردادهای بیع متقابل دارد این است که در این مصوبه اجازه داده شده است که قراردادهای نفتی تا مرحله بهره‌برداری نیز ادامه پیدا کند؛ این در حالی است که پس از تصویب قانون نفت ۱۳۵۳، صراحتاً مرحله بهره‌برداری از مشارکت شرکت‌های نفتی خارج گردید.

۱-۳-۳. قراردادهای خدماتی عراق

قراردادهای خدماتی کشور عراق تا حدود زیادی مشابه با قراردادهای نفتی کشور ایران است، با این تفاوت که قراردادهای خدمت عراق معمولاً برای مدت زمانی حدود ۲۰ الی ۲۵ سال بسته می‌شوند؛ در حالی که مدت قراردادهای بیع متقابل ایران بین ۵-۷ سال است. علاوه بر این، در قراردادهای بیع متقابل ایران یک حق الزحمه ثابتی به پیمانکار پرداخت می‌شود، در حالیکه در قراردادهای خدمت عراق حق الزحمه پیشنهادی برای هر بشکه تولید است که در آن، حق الزحمه شرکت‌های بین‌المللی به هر بشکه نفت تولیدی که در نقطه صادراتی عراق تسلیم می‌شود، منتقل می‌شود (دامیانوف^۱، ۲۰۱۵: ۴۵).

در قراردادهای خدمت عراق بهره‌برداری از میدان توسط یک کمیته مشترک از بین شرکت خارجی و شرکت ملی نفت عراق است. حق الزحمه پرداختی به پیمانکار بر اساس هر بشکه تولید نفت محاسبه می‌شود. ریسک قرارداد نیز به صورت مشترک بین شرکت نفت خارجی و شرکت

1. Damianov

ملی نفت عراق تقسیم می‌شود. مدت قراردادهای خدماتی عراق معمولاً ۲۰ سال است و پیمانکار خارجی نیز از افزایش قیمت نفت بهره‌ای نمی‌برد. اگر پیمانکار هزینه‌هایی را مازاد بر طرح جامع مشترک برای میدان هزینه کند، دولت عراق باید این هزینه‌ها را پرداخت کند؛ بدین معنی که هزینه‌های نفتی مانند بیع متقابل ایران دارای سقف نمی‌باشند.

۲. طرفین قرارداد

طرفین به سه شکل در قراردادهای نفتی ظاهر می‌شوند: شکل اول که رایج‌ترین آنها نیز می‌باشد، قرارداد بین شرکت بین‌المللی نفتی به عنوان پیمانکار و شرکت ملی نفت کشور صاحب مخزن منعقد می‌شود. بیع متقابل ایران از این روش پیروی نموده است. البته، پیمانکار می‌تواند یک شرکت واحد یا کنسرسیومی از چند شرکت باشد. در بیش‌تر کشورها نیز قراردادهای نفتی به همین شکل بین شرکت‌های ملی نفت و پیمانکاران منعقد می‌شود.

بنابراین، علاوه بر وجود درک متقابل بین شرکت ملی نفت، که خود در قالب شرکتی با ساختارهای مربوط است، شرکت بین‌المللی نفتی بقیه مجموعه دولت را از پذیرش تعهد در مقابل پیمانکار دور نگه می‌دارد. بنابراین، در صورت بروز اختلاف بین طرفین، دولت طرف دعوا قرار نمی‌گیرد و اختلاف صرفاً بین دو شرکت است. همچنین، با این روش دولت قدرت حاکمه خود را حفظ می‌کند و اختیاراتش را در برابر یک شرکت نفتی بین‌المللی در قالب یک قرارداد محدود نمی‌کند (گودرزی و باقری، ۱۳۹۴: ۱۶۳).

نوع دوم، قراردادهای هستند که بین دولت و شرکت‌های بین‌المللی نفتی به عنوان پیمانکار منعقد می‌شود. برای مثال، قراردادهای مشارکت در تولید کردستان عراق بین دولت منطقه کردستان و شرکت بین‌المللی نفتی منعقد می‌شود. در این نوع از قراردادهای، دولت مستقیماً در مقابل پیمانکار تعهداتی را بر عهده می‌گیرد و پیمانکار نیز در مقابل دولت متعهد خواهد بود.

برای مثال، در ماده ۴ قانون نفت و گاز دولت اقلیم کردستان عراق آمده است: «وزیر یا نماینده او، وظیفه نظارت بر عملیات نفتی را به عهده دارد و مسئولیت‌های وزارت نفت شامل تشکیل، تنظیم و نظارت بر سیاست‌های نفتی و نیز تنظیم، طراحی، اجرا، نظارت، بازرسی، حسابرسی و الزام تمامی عملیات نفتی به وسیله اشخاص و فعالیتهای مرتبط و نیز فروش نفت و مذاکره، توافق و اجرای همه اختیارات شامل قراردادهای نفتی، انعقاد قرارداد با حکومت‌های منطقه‌ای و نیز برای اصلاح شروطی در جهت اطمینان از اینکه عملیات نفتی به نفع مردم کردستان عراق و دولت مرکزی عراق باشد، می‌شود.» در قرارداد نمونه مشارکت در تولید دولت اقلیم کردستان عراق، دولت اقلیم به عنوان طرف قرارداد با شرکت بین‌المللی نفت آمده است.

نوع سوم، قراردادهایی است که اگرچه بین شرکت بین‌المللی نفتی با شرکت ملی نفت منعقد

می‌شود، ولی شرکت بین‌المللی نفتی موظف است که ابتدائاً مشارکتی با شرکت دولتی محل منعقد نماید و مشارکت مزبور با شرکت ملی نفت وارد قرارداد شود. قراردادهای خدماتی عراق از این روش بهره می‌برد و در مصوبه هیأت دولت در خصوص شرایط عمومی قراردادهای جدید نفتی ایران، شرکت محلی ایرانی با شرکت‌های بین‌المللی به صورت کنسرسیوم وارد قرارداد با شرکت ملی نفت ایران خواهند شد.

۲-۱. کارفرما

ماده ۳ قانون نفت مصوب ۱۳۵۳ مجوز انعقاد قرارداد را به شرکت ملی نفت واگذار نموده و مرجع تصویب آن را نیز هیأت وزیران قرار داده است. این فرایند تاکنون ادامه داشته است و در قانون نفت ۱۳۶۶ اصلاحی ۱۳۹۰ صرفاً انعقاد قراردادهای فی‌مابین وزارت نفت با دولتها تابع اصل ۷۷ قانون اساسی قرار داده شده است و انعقاد قراردادهای نفتی با اشخاص حقیقی و حقوقی داخلی و خارجی تابع آیین نامه هیأت وزیران می‌باشد.

تبصره ذیل ماده ۳۹ قانون اساسنامه شرکت ملی نفت ایران مصوب ۱۳۹۵ مقرر می‌دارد: «کلیات قراردادهای مهم نفتی شامل: قیمت، مدت و اعمال شرایط عمومی باید به تأیید وزیر نفت برسد. عدم اعلام نظر از طرف وزیر نفت ظرف مدت بیست روز به منزله موافقت می‌باشد.» نکته جالب در این قانون این است که اختیار انعقاد قراردادهای نفتی با شرکت‌های داخلی و خارجی را به شرکت ملی نفت ایران واگذار کرده است. مطابق با بند دوم ماده ۶ همین قانون: «انعقاد قرارداد با اشخاص حقیقی و حقوقی داخلی و خارجی و نیز با دولت‌ها، سازمان‌ها و موسسات و شرکت‌های بین‌المللی در راستای انجام فعالیت‌های موضوع شرکت» از وظایف و اختیارات شرکت ملی نفت ایران قرار می‌دهد و صدور مجوز انعقاد قرارداد با هیأت مدیره شرکت ملی نفت ایران می‌باشد و دیگر نیازی به ارسال آن قراردادها به مراجع دیگر جهت تصویب و یا تأیید نمی‌باشد. بند ۶ ماده ۳۳ قانون اساسنامه «بررسی و صدور مجوز عقد قراردادهای شرکت و رفع اختلافات مربوط به قراردادها با رعایت قوانین و مقررات مربوط» را بر عهده هیأت مدیره شرکت ملی نفت واگذار نموده است. در قراردادهای بیع متقابل منعقد شده در ایران، شرکت ملی نفت ایران^۱ به عنوان طرف قرارداد با شرکت‌های نفتی وارد قرارداد شده است.

در قرارداد خدمات فنی برای میدان نفتی رومیله، شرکت نفت جنوب به عنوان شرکت نفت دولتی عراق به نمایندگی از دولت عراق، به عنوان طرف اول، و شرکت نفت بی‌پی، شرکت سی‌ان پی سی اینترنشنال عراق^۲ و شرکت بازرگانی سومو^۳ به عنوان طرف دوم وارد قرارداد شدند. قرارداد

1. National Iranian Oil Company (NIOC)
2. CNPC International (Iraq) Limited
3. Oil Market Company SOMO

رومیله، در دور اول مناقصات در سال ۲۰۰۹ به کنسرسیوم فوق الذکر واگذار گردید. سهم شرکت بی پی، سی و هشت درصد (۳۸٪)، شرکت سی ان پی سی، سی و هفت درصد (۳۷٪) و سهم شرکت بازرگانی نفت عراق،^۱ بیست و پنج درصد (۲۵٪) بود. لازم به ذکر است که میدان نفتی رومیله دومین میدان بزرگ نفتی بعد از میدان نفتی قاروار^۲ عربستان در دنیا می باشد. این میدان در سال ۱۹۵۳ به وسیله شرکت نفت عراق و با مشارکت شرکت بی پی کشف شد (گانندی و لین^۳، ۲۰۱۸: ۱۰).

به طور کلی، در قراردادهای خدمات فنی عراق، شرکت عامل منطقه‌ای به عنوان نماینده دولت عراق و کارفرمای قرارداد حضور دارد. در واقع، قرارداد بین شرکت عامل منطقه‌ای به عنوان کارفرما و پیمانکار منعقد می گردد و دولت عراق در قراردادهای نفتی بطور مستقیم حضور نداشته و صرفاً به عنوان دولت میزبان اعمال حاکمیت می نماید.

۲-۲. پیمانکار

طرف دوم در قراردادهای نفتی، شرکتهای بین المللی نفت و یا کنسرسیومی از شرکتهای نفتی می باشد. این کنسرسیوم می تواند به صورت کنسرسیوم با شخصیت حقوقی ثبت شده و یا فاقد شخصیت حقوقی باشد. طرف دوم در قرارداد، در قراردادهای جدید نفتی ایران شرکت یا مشارکتی متشکل از یکی از شرکتهای داخلی و شرکتهای نفتی بین المللی می باشد که جهت سرمایه گذاری و انجام هر یک از عملیات اکتشاف، ارزیابی، توسعه، تولید و بهره برداری و اجرای طرح های بهبود و یا افزایش ضریب بازیافت یا همه آنها به صورت پیوسته طی فرآیند قانونی انتخاب و قرارداد مربوطه را امضاء می کند.

بند (ر) ماده (۱) مصوبه هیأت وزیران در خصوص شرایط عمومی، ساختار و الگوی قراردادهای بالادستی نفت و گاز ۱۳۹۵/۵/۱۳ مقرر داشته است: طرف دوم قرارداد عبارت است از شرکت /شرکت های صاحب صلاحیت نفتی که جهت انجام هر یک از عملیات اکتشاف، توصیف، توسعه و بهره برداری و اجرای طرح های بهبود یا افزایش ضریب بازیافت یا همه آنها به صورت پیوسته همراه با تأمین همه منابع مالی مورد نیاز، طی فرآیند قانونی انتخاب و قرارداد مربوط را امضا کرده و در این تصویب نامه به عنوان «پیمانکار» نیز نامیده می شود.

۲-۳. بهره بردار

علاوه بر طرفین اول و دوم در برخی قراردادهای، شخص حقوقی دیگری در قرارداد به عنوان شرکت بهره بردار انتخاب می شود. در قراردادهای بیع متقابل، انجام بهره برداری بر عهده شرکت

1. Iraqi State Oil Marketing Organization (SOMO)
2. Charwar
3. Ghandi & Lin

ملی نفت ایران قرار داشت که فعالیت بهره‌برداری توسط شرکت‌های تابعه و فرعی مانند شرکت فلات قاره و شرکت نفت مناطق نفت‌خیز جنوب بهره‌برداری صورت می‌گرفت. در قراردادهای مشارکت در تولید و قراردادهای خدماتی عراق و قراردادهای جدید نفتی ایران، پیمانکار خود شخصاً عملیات بهره‌برداری را بر عهده دارد.

۲-۳-۱. بهره‌بردار در قراردادهای بیع متقابل نفتی ایران

در قراردادهای بیع متقابل، برخلاف قراردادهای جدید نفتی ایران، دوره بهره‌برداری در شرح کار پیمانکار نبوده و به محض اتمام عملیات توسعه و رسیدن به تولید نهایی، پیمانکار کلیه تأسیسات و منطقه قراردادی را تحویل شرکت ملی نفت ایران می‌دهد و در صورت نیاز شرکت ملی نفت در دوره بهره‌برداری، پیمانکار خدمات حمایت و کمک برای کارفرما ارائه می‌نماید. در این صورت، «هزینه‌های کمک و حمایت تولید»^۱ می‌بایست به عنوان هزینه مستقلی به حساب پروژه درج گردد و مثل سایر هزینه‌ها به صورت اقساطی بازیافت شود.

۲-۳-۲. بهره‌بردار در قراردادهای جدید نفتی ایران

بند «الف» ماده ۱۱ مصوبه هیأت دولت در خصوص شرایط عمومی قراردادهای بالادستی نفت ایران مقرر می‌دارد: «از زمان شروع بهره‌برداری در مورد طرح‌های توسعه میدان‌های کشف شده یا به نتیجه رسیدن تولید اضافی ناشی از عملیات پیمانکار در طرح‌های بهبود (IGR/IOR) یا افزایش ضریب بازیافت (EGR/EOR)، تولید و بهره‌برداری از تأسیسات به نحوی که در قرارداد توافق می‌شود، با حفظ مسئولیت‌های طرف دوم قرارداد، توسط شرکتی ایرانی (که از نظر صلاحیت حرفه‌ای به تأیید کارفرما می‌رسد)، انجام می‌گردد.» مطابق با این بند، تولید و بهره‌برداری از تأسیسات نفتی به شرکت ایرانی با صلاحیت واگذار می‌شود، اما تمامی مسئولیت‌های این مرحله نیز به دوش طرف دوم است. شرکت ایرانی صاحب صلاحیت تحت مدیریت و مسئولیت فنی و مالی طرف دوم اقدام به بهره‌برداری می‌نماید. حتی در تبصره ماده ۱۱ مقرر شده است: «تبصره - در مورد میدان‌ها یا مخزن‌های در حال تولید و بهره‌برداری، در صورتی که طرف اول برای مرحله بهره‌برداری، انجام عملیات بهره‌برداری را با مشارکت یکی از شرکت‌های تابعه خود ضروری دانسته و این موضوع به تأیید وزارت نفت نیز برسد، بین طرف دوم قرارداد و شرکت تابعه شرکت ملی نفت ایران یک موافقتنامه عملیاتی مشترک امضا می‌شود. این عملیات با حفظ مسئولیت پشتیبانی و نظارت کامل فنی، مالی، حقوقی و تخصصی طرف دوم قرارداد، همراه با تأمین تجهیزات، قطعات و مواد مصرفی لازم توسط وی، به صورت مشترک انجام می‌شود. شرکت تابعه ذی‌ربط موظف است در بهره‌برداری از تأسیسات موضوع قرارداد، کلیه دستورالعمل‌های فنی،

¹ - Production Support and Assistance Costs

حرفه‌ای و برنامه‌های عملیاتی طرف دوم قرارداد را که به تأیید شرکت ملی نفت ایران رسیده است، رعایت و اجرا نماید.»

۲-۳-۳. بهره‌بردار در قراردادهای خدماتی عراق

طرفین قرارداد در قرارداد خدماتی عراق، برای اجرای عملیات نفتی میدان، متعهد هستند که ظرف سی روز پس از انعقاد قرارداد «شرکت عامل»^۱ را تأسیس نمایند و تا زمانی که تمامی امور اجرایی میدان به این شرکت منتقل نشده است، کارفرما مکلف است به فعالیت‌های سابق خود ادامه دهد. حداکثر مدت پیش‌بینی شده در قرارداد برای انتقال از کارفرما به شرکت عامل دوازده ماه است. ایجاد شرکت عامل، به دولت عراق این امکان را می‌دهد که زمینه مناسبی برای رشد و آموزش نیروهای عراقی و افزایش مهارت آنها صورت گیرد. شرکت عامل از لحاظ اداری و مالی نسبت به کارفرما مستقل است. این شرکت یک نهاد غیرانتفاعی است و تنها مکلف است تا در طول مدت قرارداد به اجرای عملیات نفتی بپردازد و پس از آن منحل می‌شود، بنابراین سود و زیانی برای آن متصور نمی‌باشد. اداره و راهبری این شرکت بر عهده پیمانکار است. در واقع، پیمانکار رهبر این شرکت در تمامی برنامه‌ها و تصمیمات و اجرای روزانه عملیات نفتی توسط شرکت عامل محسوب می‌شود. در ضمن، پیمانکار موظف است هزینه‌های لازم برای اجرای تعهدات شرکت عامل را فراهم کند. این هزینه‌ها به عنوان هزینه‌های نفتی و هزینه‌های تکمیلی بر اساس برنامه‌ها و بودجه‌های سالانه تصویب شده در کمیته مدیریت مشترک قابل بازپرداخت خواهد بود.

۴. حاکمیت و مالکیت

حفظ حاکمیت و مالکیت اصلی‌ترین نگرانی دولت‌های صاحب‌مخزن می‌باشد. بند ۱۷ ماده ۱ قانون اصلاح قانون نفت مصوب ۱۳۹۰ در تعریف امور حاکمیتی در حوزه نفت و گاز مقرر نموده است: امور حاکمیتی، حق حاکمیت و مالکیت عمومی از طرف جمهوری اسلامی ایران بر منابع نفتی و سیاستگذاری، برنامه‌ریزی، هدایت و راهبری و نظارت عالی بر اقدامات اجرایی در صنعت نفت و پتروشیمی اعم از عملیات بالادستی و پایین دستی است.» ماده ۱ قانون وظایف و اختیارات وزارت نفت مصوب ۱۳۹۱ اعمال حق حاکمیت و مالکیت عمومی بر منابع و ذخایر نفت و گاز به نمایندگی از طرف حکومت اسلامی را بر عهده وزارت نفت قرار داده است.

از آنجا که منابع نفت و گاز دارای ارزش بسیار بالا و نیز اهمیت استراتژیکی می‌باشد، مالکیت بر آن از اهمیت زیادی برخوردار است. در کشور عراق، مالکیت نفت از آن مردم است و برخی دیگر مثل کشور ایران منابع نفت جزء انفال و ثروتهای عمومی در نظر گرفته شده است. در این رابطه، اصل ۴۵ قانون اساسی ایران مقرر می‌دارد: «انفال و ثروتهای عمومی از قبیل زمین‌های موات

یا رها شده، معادن،... در اختیار حکومت اسلامی است تا بر طبق مصالح عامه نسبت به آنها عمل نماید.»

طبق ماده ۳ قانون نفت ۱۳۵۳ اعمال حق مالکیت ایران نسبت به منابع نفتی منحصرأ به عهده شرکت ملی نفت ایران بود. در ماده ۴ اساسنامه سابق شرکت ملی نفت ایران مصوب ۱۳۵۶ نیز بر این مطلب تصریح شده بود. ماده ۲ قانون نفت ۱۳۶۶ نیز بر اعمال حق حاکمیت و مالکیت توسط وزارت نفت تأکید می‌کند. گرچه در برنامه چهارم توسعه اجازه انعقاد قراردادهای نفتی به شرکت ملی نفت ایران داده شده بود، اما در برنامه پنجم توسعه مجدداً وزارت نفت برای انعقاد قراردادها با طرف‌های داخلی و خارجی دارای صلاحیت شمرده می‌شود. قانون برنامه پنجم توسعه، قانون وظایف و اختیارات وزارت نفت با صراحت بیشتری به دنبال تفکیک وظایف حاکمیتی صنعت نفت از شرکت ملی نفت و تفویض آن به وزارت نفت است (شیروی و امین‌مجد، ۱۳۹۱: ۲۹).

ماده ۱ این قانون تأکید می‌نماید وزارت نفت به نمایندگی از طرف حکومت اسلامی بر منابع و ذخایر نفت و گاز اعمال حق حاکمیت و مالکیت عمومی می‌نماید. اخذ پروانه بهره‌برداری و در برخی از موارد انعقاد قراردادها نیز از طریق وزارت نفت صورت خواهد پذیرفت. در صورتی که در قراردادها، وزارت نفت طرف قرارداد باشد، می‌تواند ماهیت قراردادهای نفتی را از یک قرارداد تجاری به یک معاهده بین‌المللی تبدیل کند.

قانون اصلاح قانون نفت مصوب ۱۳۹۰، در مورد مالکیت منابع نفتی در ماده ۲ مقرر می‌دارد: «کلیه منابع نفتی جزء انفال و ثروتهای عمومی است. اعمال حق حاکمیت و مالکیت عمومی بر منابع نفتی مذکور به نمایندگی از طرف حکومت اسلامی به عهده وزارت نفت است. در این ماده، منابع نفتی در اختیار حکومت اسلامی قلمداد شده است و وزارت نفت به نمایندگی از حکومت اسلامی اقدام خواهد کرد.»

نهایتاً، مصوبه هیأت دولت در خصوص شرایط عمومی، ساختار و الگوی قراردادهای بالادستی نفت و گاز در تاریخ ۱۳/۵/۱۳۹۵ در بند الف ماده ۳ مقرر داشت: «اعمال حق حاکمیت و مالکیت عمومی بر کلیه منابع و ذخایر نفت و گاز طبیعی کشور از طریق وزارت نفت به نمایندگی از طرف جمهوری اسلامی ایران است.»

برخلاف کشورهایی که مالکیت نفت را برای دولت یا حکومت یا اشخاص خصوصی به رسمیت شناخته‌اند، دولت عراق مالکیت نفت را از آن کلیه مردم عراق دانسته است. در این خصوص، ماده ۱۱۱ قانون اساسی کشور عراق^۱ مقرر می‌دارد: «نفت و گاز متعلق به کلیه مردم عراق در همه مناطق و استانها می‌باشد.» در ادامه، در ماده ۱۱۲ مقرر می‌دارد: «۱- دولت فدرال مسئول اداره امور نفت و گاز استخراج شده از چاه‌های فعلی به همراه دولت‌های منطقه‌ای و

1. <http://www.cabinet.iq/PageView>

استان‌های تولیدکننده است تا درآمدهای حاصله به صورت منصفانه و متناسب با توزیع جمعیتی سراسر کشور تقسیم شود و سهم دوره‌های مشخص هر منطقه که متضرر شده و رژیم سابق در حق آن اجحاف کرده است، تعیین شود تا توسعه متوازن بخش‌های مختلف کشور تضمین گردد و این امر بر اساس قانون صورت می‌گیرد ۲- دولت فدرال و دولتهای منطقه‌ای و استانهای تولیدکننده با هم سیاست‌های استراتژیک لازم را برای گسترش ثروت نفت و گاز را ترسیم می‌کنند تا با استفاده از پیشرفته‌ترین فن‌آوری و اصول بازار و تشویق به سرمایه‌گذاری، بیشترین منابع برای ملت عراق تحقق یابد.»

۵. مدت قرارداد

قراردادهای نفتی به اقتضای ماهیت آنها دارای مدت‌های مختلفی خواهند بود. قراردادهایی که برای توسعه منعقد می‌شوند، مدت کوتاه‌تری نسبت به قراردادهای اکتشاف، توسعه، تولید و بهره‌برداری دارند و همچنین قراردادهای امتیازی، معمولاً مدت طولانی‌تری نسبت به سایر قراردادها دارند. قراردادهای امتیازی تمامی عملیات نفتی اعم از اکتشاف، توصیف، ارزیابی، توسعه و تولید را در بر داشته و بالتبع، نیازمند زمان طولانی‌تری خواهند بود. قراردادهای مشارکت در تولید نیز به لحاظ نوع آن و مشارکت پیمانکار در بهره‌برداری یا تولید، مستلزم مدت طولانی می‌باشند.

مدل‌های جدید قراردادی‌های نفتی عراق که در ماه می سال ۲۰۱۸ برای دور پنجم مناقصات ارائه شد، شامل دو نوع قرارداد اکتشاف، توسعه و تولید^۱ و قرارداد توسعه و تولید^۲ است. در قرارداد اکتشاف، توسعه و تولید، مدت قرارداد به سی و چهار نیز می‌رسد. در این نوع از قراردادها، دوره اکتشاف ۵ سال است که تا نه سال نیز قابل تمدید است. سپس، اگر عملیات اکتشاف موفقیت‌آمیز باشد، مدت توسعه به میزان ۲۵ سال شروع شده و ادامه می‌یابد. در قرارداد مذکور، دوره قرارداد به دو بخش: دوره اکتشاف و دوره توسعه تقسیم شده است. عملیات بهره‌برداری نیز در دوره توسعه تعریف شده است. دوره توسعه که حداکثر آن بیست و پنج سال است، از تاریخ تأیید اعلامیه تجاری صادره پیمانکار توسط کارفرما شروع خواهد شد.

دوره‌های زمانی قرارداد مشارکت در تولید کردستان عراق به دو دوره اکتشاف و دوره توسعه تقسیم می‌شوند. دوره اکتشافی به دو دوره اولیه و ثانویه تقسیم می‌شود. برای مثال، در ماده ۲.۶ مدل قرارداد مشارکت در تولید اقلیم کردستان، دوره اولیه پنج سال می‌باشد که تا حداکثر هفت سال قابل تمدید است. دوره توسعه از زمان اکتشاف میدان تجاری به مدت ۲۰ ماه می‌باشد و تا پنج سال نیز امکان تمدید دارد.

مدت قرارداد در اکثر قراردادهای توسعه میدانی در ایران، معمولاً بین ۴ تا ۵ سال از تاریخ

1. Exploration, Development and Production Contract (EDPC)
2. Development and Production Contract (DPC)

تنفیذ قرارداد بوده و مدت بازپرداخت بین ۷ تا ۹ سال از تاریخ خاتمه عملیات توسعه و یا شروع تولید اولیه در نظر گرفته شده است. مصوبه هیأت دولت در خصوص قراردادهای جدید نفتی مصوب ۱۳۹۵، شرایط عمومی قراردادهای بالادستی را طوری طراحی کرده است که به قراردادهای خدماتی عراق نزدیکتر شده است. قراردادهای خدماتی عراق، ترکیبی از قراردادهای مشارکت در تولید و قرارداد خدماتی ریسک‌پذیر است، به طوری که در ماده ۷ مصوبه مذکور دوره قرارداد متناسب با زمان مورد نیاز اجرای طرح‌ها و حداکثر به مدت بیست سال از تاریخ شروع عملیات توسعه و در صورت اجرای طرح‌های افزایش ضریب بازیافت مخازن و یا افزایش تولید (IOR/IGR-EGR EOR)، متناسب با نیازهای عملیاتی و اقتصادی هر طرح تا مدت پنج سال قابل تمدید می‌باشد. در مورد طرح‌های پیوسته اکتشاف- توسعه و بهره‌برداری، دوره اکتشاف حسب مورد به دوره یادشده قرارداد اضافه می‌گردد.

۶. هزینه‌ها و نحوه بازپرداخت آنها

شناخت انواع هزینه‌ها در قراردادهای نفت ایران و عراق و شرایط بازپرداخت آن یکی از مهمترین بخش قراردادهای نفتی می‌باشد که در این قسمت به بررسی انواع هزینه‌ها خواهیم پرداخت.

۶-۱. بیع متقابل

در قراردادهای بیع متقابل ایران، هزینه‌های نفتی شامل هزینه سرمایه‌ای^۱، هزینه‌های غیرسرمایه‌ای^۲، هزینه‌های بهره‌برداری^۳ و هزینه‌های بانکی می‌باشد. این هزینه‌ها به همراه دستمزد به پیمانکاران پرداخت می‌شود. مبلغ دستمزد در تمامی قراردادها مشخص شده است. با افزایش کار و افزایش هزینه‌های سرمایه‌ای متناسباً اضافه می‌شود و با کاهش آن متناسباً تقلیل می‌یابد، مگر آنکه پیمانکار بدون تغییر اهداف قراردادی در هزینه‌ها کاهش دهد که در این صورت دستمزد پیمانکار کاهش نخواهد یافت. هزینه‌های نفتی و حق الزحمه از محل درآمد تولید میدان و به درصدی که در قرارداد مشخص شده است، به پیمانکار پرداخت می‌شود. این مبالغ در اقساط مساوی برای مدت مشخص به پیمانکار بازپرداخت می‌گردد.

۶-۱-۱. هزینه‌های سرمایه‌ای

هزینه‌های سرمایه‌ای شامل کلیه هزینه‌هایی است که مستقیماً در امر توسعه میدان مطابق با رویه‌های حسابداری^۴ ضمیمه قرارداد انجام می‌شود. هزینه‌های سرمایه‌ای کلیه هزینه‌هایی (شامل هزینه‌های

1. Capital Costs (CAPEX)
2. Non-Capital Costs (NONCAPEX)
3. Operational Costs (OPEX)
4. Accounting Procedures

مستقیم و هزینه‌های مربوط به مدیریت پروژه) که در قرارداد بیع متقابل از تاریخ لازم‌الاجرا شدن قرارداد تا تکمیل فاز توسعه توسط پیمانکار تحمل و پرداخت می‌شود. هزینه‌های سرمایه‌ای دارای سقف بوده و اگر پیمانکار بیش از سقف معین در قرارداد هزینه انجام دهد، هزینه‌های مازاد بر دوش پیمانکار بوده و بازپرداخت نخواهد شد.

۶-۱-۲. هزینه غیر سرمایه‌ای

هزینه‌های غیر سرمایه‌ای به هزینه‌هایی گفته می‌شود که در حین انعقاد و اجرای قرارداد نمی‌توان به طور دقیق آنها را مشخص نمود و عموماً هزینه‌هایی است که در رابطه با عملیات توسعه به مراجع مختلف در ایران پرداخت می‌شود. از جمله این هزینه‌ها می‌توان به مالیات، بیمه، عوارض و حقوق گمرکی اشاره نمود.

۶-۱-۳. هزینه بهره‌برداری یا عملیاتی

هزینه‌های عملیاتی، کلیه هزینه‌هایی هستند که توسط پیمانکار در اجرای عملیات توسعه به درخواست شرکت ملی نفت ایران صورت می‌پذیرد و به غیر از هزینه‌های سرمایه‌ای و غیر سرمایه‌ای بوده و مستقیماً برای تولید پرداخت می‌شوند. این هزینه‌ها به قیمت تمام شده می‌باشند. به عبارت دیگر، هزینه‌های بهره‌برداری به معنی همه هزینه‌ها و مخارجی است که با تأیید کتبی شرکت ملی نفت ایران و در ارتباط با اجرای فعالیت‌های بهره‌برداری، تهیه و تحویل قطعات یدکی و بیمه‌نامه‌های قابل اعمال بر قرارداد، که بصورت مستقیم، ضرورتاً و منحصرأ توسط پیمانکار محقق و پرداخت می‌گردد.

۶-۱-۴. هزینه بانکی

هزینه‌های بانکی نیز به هزینه تأمین مالی اشاره داشته و در واقع، همان می‌توان آنها را معادل بهره تلقی نمود که بر اساس نرخ لیبور به علاوه درصدی معین (مثلاً ۷۵ درصد) محاسبه می‌گردد (شیروی و ابراهیمی، ۱۳۸۸: ۲۵۱).

۶-۱-۵. حق الزحمه یا دستمزد

علاوه بر هزینه‌های انجام شده، حق الزحمه یا دستمزد^۱ نیز به پیمانکار پرداخت می‌گردد. مبلغ حق الزحمه یا دستمزد در بیع متقابل به صورت ثابت در نظر گرفته می‌شود. بدین صورت است که در زمان انعقاد قرارداد، مفروضاتی مورد توافق طرفین قرار می‌گیرد. این مفروضات شامل میزان سرمایه‌گذاری، حجم تولید نهایی نفت، قیمت توافق شده هر بشکه، شیوه بازپرداخت هزینه‌های

1. Remuneration Fee

انجام شده بر اساس نرخ بازگشت سرمایه توافق شده حق الزحمه پیمانکار محاسبه می‌شود. حق الزحمه پس از رسیدن به تولید معین به صورت اقساط مساوی به پیمانکار پرداخت خواهد شد.

۶-۱-۶. بازپرداخت هزینه‌ها و دستمزد

در قراردادهای اولیه بیع متقابل توسعه میادین، هزینه‌های پیمانکار حداکثر معادل سقف یا کمتر از آن قابل پرداخت بود و سقف قراردادی جز در موارد کارهای اضافی که شرکت ملی نفت ایران به پیمانکار ارجاع می‌شد، قابل افزایش نمی‌بود و هر پرداختی اضافه بر سقف قرارداد (که به تأیید شورای اقتصاد رسیده است) نیاز به تأیید مجدد شورای اقتصاد داشت. بسته بودن سقف هزینه‌ها ریسک کارفرما را بسیار کم می‌نمود و در عوض، ریسک پیمانکار را بسیار بالا می‌برد، به طوریکه در صورت عدم موفقیت در تولید نفت به میزان مقرر در قرارداد امکان بازپرداخت هزینه‌ها وجود نداشت.

۶-۲. قراردادهای جدید نفتی ایران

در قراردادهای جدید نفتی ایران، هزینه‌های نفتی شامل هزینه مستقیم سرمایه^۱، هزینه غیرمستقیم^۲، هزینه بهره‌برداری و هزینه پول تقسیم می‌شود.

۶-۲-۱. هزینه مستقیم

مطابق بند «ص» ماده ۱ نیز همچنین طبق بند «ث» ماده ۸ مصوبه هیأت دولت در خصوص شرایط عمومی قراردادهای بالادستی نفت هزینه‌های سرمایه‌ای، هزینه‌هایی است که به طور مستقیم مربوط به عملیات توسعه که مطابق با برنامه بودجه و کار است، هزینه و پرداخت می‌شود. هزینه‌هایی مانند حفاری، احداث تأسیسات اعم از روزمینی و زیرزمینی، در واقع همه هزینه‌های مرتبط با فعالیت‌های موضوع قرارداد جزء هزینه‌های مستقیم محسوب می‌شود.

برخلاف قراردادهای بیع متقابل در قراردادهای جدید نفتی ایران، هزینه سرمایه‌ای بدون سقف است (شپروی، ۱۳۹۳: ۴۳۶). این بدین معنا است که هزینه سرمایه‌ای انجام شده بدون سقف قابل پرداخت خواهد بود.

۶-۲-۲. هزینه غیرمستقیم

مطابق بند «ض» مصوبه مذکور، هزینه‌های غیرمستقیم شامل هزینه‌هایی است که از ناحیه طرف دوم به دولت، وزارتخانه‌ها و مؤسسات عمومی از جمله شهرداری‌ها از قبیل انواع مالیات‌ها، عوارض، گمرک و بیمه تأمین اجتماعی پرداخت می‌شود. پرداخت مالیات، عوارض و سایر پرداخت‌های

1. Direct Costs.(DCC)
2. Indirect Capital Costs. (ICC)

قانونی بر عهده و از تکالیف طرف دوم قرارداد و به تبع آن، تسویه حساب با دستگاه‌های ذی‌صلاح نیز از تکالیف وی می‌باشد.

۶-۲-۳. هزینه بهره‌برداری

هزینه‌های بهره‌برداری مطابق بند «ظ» ماده ۱ مصوبه هیأت دولت، کلیه مبالغی است که طرف دوم قرارداد طبق قرارداد، برای انجام عملیات بهره‌برداری و بر اساس شرایط مندرج در قرارداد و استانداردهای حسابداری هزینه می‌کند. بدین ترتیب، هزینه‌های بهره‌برداری عبارت است از هزینه‌هایی که تا زمان تحویل کار به شرکت ملی نفت مستقیماً، ضرورتاً و منحصراً برای تولید، ایجاد و پرداخت شده‌اند و بدون اعمال محدودیت قابل بازپرداخت می‌باشند. هزینه‌های بهره‌برداری شامل همه هزینه‌هایی است که بوسیله پیمانکار در خصوص عملیات بهره‌برداری نفتی تعهد و پرداخت می‌شود که این عملیات مطابق برنامه توسعه و تولید ارائه شده و برنامه بودجه و کار سالیانه خواهد بود.

۶-۲-۴. هزینه تأمین مالی

در قراردادهای جدید هزینه تأمین مالی برخلاف قراردادهای بیع متقابل که به «هزینه بانکی»^۱ معروف بود، «هزینه پول»^۲ نام گرفته است. این هزینه مطابق با هزینه‌های واقعی انجام شده به نرخ لایبور به علاوه درصدی که بین طرفین قرارداد توافق خواهد شد، در مواردی که قرارداد معین کند، تعلق خواهد گرفت. در طول دوره بازپرداخت هزینه‌ها به پیمانکار، در صورت بروز تأخیر در بازپرداخت هزینه‌ها و دستمزد در صورتی که نتوان علت این تأخیرها را به پیمانکار نسبت داد، هزینه تأمین مالی به پول پرداخت نشده تعلق می‌گیرد (شکوهی و دیگران، ۱۳۹۵: ۹۰).

۶-۲-۵. دستمزد

در قراردادهای جدید نفتی ایران، دستمزد^۳ طبق بند «ع» ماده ۱ مصوبه هیأت دولت، عبارت است از رقمی که متناسب با هر بشکه تولید اضافی نفت خام یا هر هزار فوت مکعب استاندارد اضافی گاز طبیعی همراه از میدان‌ها یا مخزن‌های نفتی یا هر هزار فوت مکعب استاندارد تولید اضافی گاز از میدان‌ها یا مخزن‌های گازی و حسب مورد هر بشکه میعانات گازی اضافی، ناشی از عملیات طرف دوم قرارداد تعیین می‌شود. این دستمزد با توجه به بند (ث) ماده (۳) این تصویب‌نامه، با هدف ایجاد انگیزه برای بکارگیری روش‌های بهینه در اکتشاف، توسعه، تولید و بهره‌برداری حسب شرایط هر طرح، به صورت تابعی از عواملی نظیر سطح تولید هر میدان یا مخزن و نیز رعایت

1. Bank Charges
2. Cost of Money
3. Fee

ضرایب ریسک مناطق اکتشافی، شناور بوده و متناسب با قیمت‌های بین‌المللی نفت و میعانات گازی و نیز قیمت‌های منطقه یا قراردادی گاز به صورت نقدی یا تحویل محصول تعیین می‌شود و به قیمت روز از شروع تولید اولیه تا پایان دوره قرارداد پرداخت خواهد شد.

۶-۲-۶. بازپرداخت هزینه‌ها و دستمزد

مطابق با ماده ۱۰ مصوبه هیأت دولت، بازپرداخت هزینه‌ها، از زمان رسیدن میدان یا مخزن به تولید اولیه یا اضافی، به ترتیب توافق شده در قرارداد در مورد نفت و میعانات گازی از پنجاه درصد عواید میدان پرداخت خواهد شد. و در خصوص میدانهای گازی از محل هفتاد و پنج درصد عواید حاصله از میدان هزینه‌ها و حق الزحمه بر مبنای قیمت روز فروش محصول بازپرداخت خواهد شد. بازپرداخت هزینه‌ها و دستمزد مانند قراردادهای بیع متقابل منوط به تولید محصول است تا قبل از آن هزینه‌ای بازپرداخت نخواهد شد. کارفرما این حق را دارد که از محصول میادین دیگر برای بازپرداخت مطالبات پیمانکار استفاده کند و پیمانکار در این خصوص هیچ حق عینی یا حق تقدمی بر محصول میدان موضوع قرارداد نخواهد داشت. بازپرداخت هزینه‌های بهره‌برداری و هزینه‌های غیرمستقیم دوره بهره‌برداری از شروع تولید اولیه به صورت جاری محاسبه و بازپرداخت می‌گردد. همچنین، پرداخت دستمزد متعلقه به پیمانکار نیز طبق شرایط مندرج در قرارداد از همان زمان تولید آغاز می‌شود.

۶-۳. قراردادهای خدماتی عراق

در نمونه قرارداد خدمات فنی عراق، هزینه‌های قراردادی به دو دسته هزینه‌های نفتی و هزینه‌های تکمیلی تقسیم می‌شوند.

۶-۳-۱. هزینه نفتی

هزینه نفتی، هزینه‌هایی که مستقیماً به فعالیت‌ها یا عملیات نفتی مربوط می‌شوند و هزینه‌های تکمیلی، هزینه‌هایی که به طور مستقیم به فعالیت نفتی مرتبط نبوده، ولی برای اجرای تعهدات پیمانکار ضروری می‌باشد. هزینه‌هایی مانند هزینه پرسنلی، مانند هزینه پرسنل بومی و پرسنل شرکت فرعی پیمانکار در عملیات نفتی و نیز هزینه‌های آموزش نیروی انسانی عراق، هزینه‌های مربوط به خرید تجهیزات لازم برای اجرای عملیات نفتی، هزینه‌های مرتبط به حمل و نقل کالا، تجهیزات، نیروی انسانی و ساخت تأسیسات حمل و نقل، هزینه‌های مربوط به ساختمان‌ها و تجهیزات و نگهداری آنها، هزینه‌های حقوقی در موارد لازم از جمله ارجاع به داوری در موارد ایجاد اختلاف، هزینه‌های گمرکی، هزینه‌های مربوط به بیم، هزینه‌های مربوط به مبادلات ارزی جزء هزینه‌های نفتی محسوب می‌شوند.

۶-۳-۲. هزینه تکمیلی

هزینه‌های تکمیلی شامل هزینه‌هایی است که برای مین‌روبی و آماده‌سازی منطقه قراردادی از دعاوی و موانع موجود برای اجرای عملیات نفتی صورت می‌گیرد. برای مثال، حق‌الامضاء قرارداد یا پذیره امضاء^۱ در قرارداد نمونه روميله، جزء هزینه‌های تکمیلی محسوب شده و قابل بازپرداخت خواهد بود.

۶-۳-۳. حق الزحمه

دستمزد در قرارداد نمونه میدان روميله عراق به ازای هر بشکه تولید نفت معین می‌شود که ارتباط مستقیمی با میزان تولید، قیمت نفت و فاکتور آر دارد. فاکتور آر، در پایان هر سال تقویمی به دست می‌آید و براساس جمع ارزش دریافتی‌های نقدی از تاریخ موثر شدن قرارداد تا پایان آن سال تقویمی تقسیم بر جمع هزینه‌های انجام شده در همان دوره بدست می‌آید. فاکتور آر، نسبت بین هزینه‌ها انجام شده توسط شرکت بین‌المللی نفت یا پیمانکار با میزان دریافتی پیمانکار از کارفرما در طول یک سال در نظر گرفته می‌شود. اگر فاکتور آر، کمتر از یک باشد، پیمانکار همان میزان حق‌الزحمه‌ای که در مناقصه اعلام کرده باشد، مستحق خواهد بود (گانندی و لین، ۲۰۱۸: ۱۰).

در قرارداد خدماتی عراق تصریح می‌شود که حق امضا و هزینه‌های مربوط به آموزش و انتقال تکنولوژی صرفاً به منظور محاسبه فاکتور آر است و به این معنا نیست که حق امضا و هزینه‌های مربوط به آموزش و انتقال تکنولوژی جزء هزینه‌های نفتی هستند (قنبری جهرمی و اصغریان، ۱۳۹۴: ۷۵۹). ماده ۵-۱۹ قرارداد مذکور مقرر می‌دارد: پیمانکار مستحق دستمزد^۲ است که این هزینه بعد از تاریخ استحقاق هزینه خدمات^۳ محاسبه خواهد شد. علت این امر نیز این است که بعد از این تاریخ پیمانکار به تولید رسیده و به ازای هر بشکه تولید مبلغ ثابتی را به عنوان دستمزد مستحق خواهد شد. در واقع، بعد از فصلی که در آن تاریخ استحقاق هزینه محقق شده است، از همان تاریخ به ازای هر بشکه تولید نفت اضافی^۴، حق‌الزحمه‌ای لحاظ خواهد شد. این هزینه‌ها می‌بایست در فصل بعدی پرداخت گردد.

۶-۳-۵. بازپرداخت هزینه‌ها

بازپرداخت هزینه‌ها در قراردادهای خدماتی عراق به صورت فصلی صورت می‌گیرد. پیمانکار موظف است تا پس از اتمام هر فصل و نهایتاً تا ۴۵ روز پس از گذشت آن، صورت وضعیت این

1. Signature Bonus.
2. Remuneration Fee
3. Service Fee Eligibility Date
4. Incremental Production

هزینه‌ها را به کارفرما ارائه دهد و در مقابل، کارفرما متعهد است که ظرف ۶۰ روز از این تاریخ، صورت وضعیت‌های ارسالی را پرداخت نماید. نکته حائز اهمیت این است که برای هزینه‌های تکمیلی انجام شده توسط پیمانکار از زمان ایجاد این هزینه تا زمان پرداخت به پیمانکار، بهره‌ای به میزان نرخ لایبور به علاوه یک درصد (۱٪) تعلق خواهد گرفت.

در نمونه جدید قراردادهای خدماتی عراق که در ۲۰۱۸ ارائه گردیده، بازپرداخت هزینه‌ها از محل حداکثر ۵۰ درصد درآمد مفروض^۱ قرارداد صورت خواهد گرفت، بدین صورت که در هر فصل صرفاً تا ۵۰ درصد درآمد مفروض قرارداد به بازپرداخت هزینه‌ها اختصاص خواهد یافت و ۵۰ درصد دیگر به دولت عراق اختصاص دارد. بازپرداخت هزینه‌های نفتی نسبت به بازپرداخت حق‌الزحمه اولویت دارد و میزانی از هزینه‌های نفتی و حق‌الزحمه که به دلیل پر شدن سقف ۵۰ درصد در یک دوره سه ماه قابل بازپرداخت نباشد، به دوره‌های سه ماهه بعدی منتقل و پرداخت خواهد شد و این انتقال تا زمانی ادامه خواهد یافت که تمام مبلغ استحقاقی پیمانکار بازپرداخت شود.

در قرارداد خدماتی عراق، این امکان را برای پیمانکار فراهم کرده است که در مدتی کمتر از سه سال و صرفاً با ده درصد افزایش تولید میدان نسبت به تولید اولیه هزینه‌های خود را مستهلک کند و پاداش خود را نسبت به هر بشکه تولید نفت مازاد دریافت کند. بنابراین، سرعت بازگشت سرمایه در قراردادهای خدماتی عراق، بیشتر از قراردادهای بیع متقابل است (جیاد^۲، ۲۰۱۰: ۱۳).

در قراردادهای سابق عراق، هزینه‌های نفتی و تکمیلی پس از رسیدن به اهداف قراردادی قابل بازپرداخت بود، به طوری که از محل حداکثر پنجاه درصد درآمدهای نفتی، هزینه‌ها مستهلک می‌گردید که این میزان در دور چهارم مناقصات برای میداین اکتشافی تا هفتاد درصد عواید میدان در نظر گرفته شده بود. در قراردادهای جدید نفتی عراق، بازپرداخت هزینه‌ها پس از رسیدن به تولید تجارتي با پذیرش اثر قیمت بازار نفت به صورت حداکثر سهم از درآمد بعد از کسر رویالتهای صورت خواهد گرفت. بدین شکل که در هر فصل، ابتدا، رویالتهای سهم دولت از درآمد مفروض^۳ که ۲۵ درصد است، برداشته خواهد شد و سپس، اگر قیمت نفت به ازای هر بشکه نفت بیست و یک دلار و نیم (۲۱/۵\$) یا پایین‌تر باشد، در این صورت حداکثر سی درصد عواید میدان جهت بازپرداخت هزینه‌ها اختصاص خواهد یافت و اگر قیمت نفت به ازای هر بشکه ۵۰ دلار یا بالاتر شود، در این صورت، پس از کسر رویالتهای هفتاد درصد عواید میدان اختصاص به بازپرداخت هزینه‌ها خواهد داشت.

در قراردادهای جدید نفتی عراق، دیگر مفهومی به نام حق‌الزحمه به ازای هر بشکه وجود

1. deemed revenue
2. Mousa Jiyad
3. Deemed Revenue

ندارد، بلکه حق‌الزحمه عبارت است از سهمی از درآمد که پس از کسر رویالتی در هر فصل باقی می‌ماند. این سهم درصدی بین ۴/۵۵ درصد تا ۱۹/۹۹ درصد است. در واقع، حق‌الزحمه، درصدی بین چهار و پنجاه و پنج درصد تا بیست درصد از درآمد باقیمانده است. درآمد باقیمانده هر فصل باید محاسبه شده و درصدی از آن به عنوان حق‌الزحمه لحاظ گردد. هر میزان هزینه‌ای که در هر فصلی ایجاد شود،^۱ می‌بایست در فصل بعدی^۲ پرداخت شود. پیمانکار می‌بایست ظرف ده روز پس از پایان فصلی که در آن هزینه‌ها ایجاد شده است، صورت وضعیت هزینه‌ها و حق‌الزحمه خود را به کارفرما ارائه نماید. همه هزینه‌ها و حق‌الزحمه‌هایی که نتوان در فصل بعدی بازپرداخت نمود، به فصل بعدی منتقل خواهد شد.

حق‌الزحمه در قرارداد بیع متقابل بر اساس درصد ثابت نرخ بازگشت سرمایه تعیین می‌شود که عموماً این مقدار ۱۵ درصد می‌باشد. برخلاف این حق‌الزحمه و نرخ بازگشت ثابت سرمایه، در قرارداد خدمات عراق، نرخ بازگشت سرمایه و پاداشی که به پیمانکار تعلق می‌گیرد، به صورت شناور است و هیچ سقفی برای آن در نظر گرفته نشده است. شناور بودن نرخ بازگشت سرمایه موجب ایجاد انگیزه برای افزایش تولید در قراردادهای خدماتی عراق از طرف پیمانکار خواهد شد. در قرارداد بیع متقابل، برای بازپرداخت هزینه‌ها، بهره بانکی در نظر گرفته شده است. در قراردادهای خدماتی عراق نه تنها برای هزینه‌های نفتی و پاداش بهره‌ای در نظر گرفته نشده است، بلکه از درآمد پیمانکار مالیات نیز اخذ می‌شود و این مالیات پرداخت شده قابل بازپرداخت نخواهد بود؛ بنابراین، اخذ مالیات به عنوان یک اهرم کنترل‌کننده درآمد شرکت‌های نفتی در عراق خواهد بود، در صورتی که در قراردادهای بیع متقابل منعقد در ایران، پرداخت مالیات به عنوان هزینه غیرسرمایه‌ای محسوب می‌شود که با بهره بانکی به پیمانکار مسترد خواهد شد.

بحث و نتیجه‌گیری

واگذاری قراردادهای بالادستی نفت و گاز نتیجه و برآیند حاکمیت، مالکیت و محتوای قرارداد و قوانین ملی کشور صاحب مخزن است. حاکمیت بر منابع طبیعی مخصوصاً نفت و گاز منجر به شکل‌گیری مدیریت مخازن و تعیین حدود و ثغور حاکم و یا نماینده آن است. در کشور ایران و عراق، حاکمیت بر منابع نفتی به ترتیب از آن ولی فقیه و دولت عراق از جانب مردم است. حکومت اسلامی از طریق ولی فقیه با توجه به اختیاراتی که از شرع و قانون اساسی حاصل نموده است، بر منابع نفتی حاکمیت دارد و دولت مرکزی عراق نیز با توجه به اختیاری که قانون اساسی آن کشور به دولت داده است، میادین نفتی خود را مدیریت می‌نماید. درآمدهای نفتی عاید مالک منابع نفتی خواهد شد. در کشور عراق، هر استان به میزان سکنه‌ای که در آن اسکان دارد، از

1. Spending Quarter
2. Lifting Quarter

درآمدهای نفتی بهره‌مند می‌شوند.

درآمد نفتی نتیجه استحصال و فروش نفت است. درآمد نفتی نتیجه مستقیمی با میزان جذابیت قراردادهای بالادستی نفت دارد. مهندسی قراردادهای نفتی نقش اساسی در کنترل سود شرکت‌های بین‌المللی نفتی و حفظ درآمد سرشار کشور صاحب مخزن ایفاد می‌کند. کشور ایران و عراق بواسطه واقع شدن در منطقه جغرافیایی خاورمیانه و همسایگی یکدیگر، شرایط جغرافیایی، اقتصادی، سیاسی و مذهبی مشابه‌ای دارند. هر دو کشور جزء کشورهای دارنده ذخایر نفتی بالا محسوب می‌شوند. مدل‌های قراردادی که در این دو کشور رونق دارد، تا حدودی مشابه و از جهتی متفاوت می‌باشند که همین امر منجر به جذابیت مدل‌های قراردادی برای شرکت‌های معظم نفتی گردیده است. علاوه بر حاکمیت و مالکیت، اطراف قرارداد و نقش و تکالیف آنها و الزامات قانونی کشور صاحب مخزن می‌تواند اثرات زیادی در جذابیت و یا عدم جذابیت قراردادهای نفتی داشته باشد.

بررسی شروط اصلی قراردادهای نفتی و مدل‌های قراردادی کشور عراق و همچنین، قراردادهای بیع متقابل و نیز نمونه قراردادهای جدید نفتی ایران منجر به روشن تر شدن نقاط ضعف و قوت قراردادهای هر دو کشور می‌گردد. در بین شرایط مختلف که اثر مستقیمی با واگذاری قرارداد دارند، شرایط مالی قراردادهای خدماتی از اهمیت زیادی برخوردار است. تفاوت قراردادهای خدماتی عراق با قراردادهای بیع متقابل ایران در دسته‌بندی انواع هزینه‌های نفتی و سقف هزینه‌ها و نیز اخذ پاداش امضای قرارداد و رویالتهی از جمله عواملی می‌باشند که نقش مهمی در حضور شرکت‌های بین‌المللی نفت دارند. اخذ پاداش امضای قرارداد و یا رویالتهی در قراردادهای جدید نفتی عراق و تغییر در نحوه محاسبه دستمزد (FEE) از نوآوری‌های قراردادهای خدماتی اخیر دولت عراق (می ۲۰۱۸) بوده است که در قراردادهای جدید نفتی ایران نادیده گرفته شده است. برداشتن سقف هزینه‌ها و بازپرداخت آنها و نیز محاسبه حق الزحمه به میزان هر بشکه تولید نفت از موارد مهمی است که ریسک سرمایه‌گذار را کاهش می‌دهد و در این خصوص، کشور ایران و عراق به صورت یکسان عمل نمودند. مدل جدید قراردادهای خدماتی عراق، جهت محاسبه حق الزحمه متغییرهایی مانند میزان تولید و قیمت نفت را نیز تأثیر داده است که ریسک طرفین قرارداد را کاهش می‌دهد. در این خصوص، پیشنهاد می‌گردد حق الزحمه در قراردادهای جدید نفتی ایران نیز مانند مدل جدید قراردادهای نفتی عراق محاسبه گردد تا علاوه بر کنترل ریسک سرمایه‌گذار، ریسک کشور صاحب مخزن نیز کاهش یابد.

تشکر و قدردانی

نگارنده گان از عزیزانی که در فرآیند انتشار این پژوهش نهایت همکاری را داشتند، کمال امتنان را دارند.

منابع

- شکوهی، محمدرضا، سلیمانی، مهسا، شیخی نژادمقدم، رسول، کاتبی، آیه. (۱۳۹۵). مقایسه تطبیقی کارآیی رژیم مالی قراردادهای بیع متقابل و قراردادهای نوین نفتی ایران، پژوهشنامه اقتصاد انرژی ایران، ۵(۲۰): ۷۹-۱۱۳.
<https://www.sid.ir/fa/journal/ViewPaper.aspx?id=355801>
- شیروی، عبدالحسین، امین مجد، فاطمه. (۱۳۹۱). سرمایه گذاری خارجی در عملیات بالادستی، حقوق خصوصی، ۲۱(۲): ۳۴-۵.
<http://ensani.ir/fa/article/328761>
- شیروی، عبدالحسین. (۱۳۸۳). انواع روش های قراردادی تجارت متقابل، اندیشه های حقوقی، ۲(۷): ۴۶-۵.
<http://ensani.ir/fa/article/15024/>
- شیروی، عبدالحسین. (۱۳۹۳). حقوق نفت و گاز، نشر میزان، چاپ اول.
- شیروی، عبدالحسین؛ ابراهیمی، سید نصراله، اصغریان، مجتبی. (۱۳۸۸). اکتشاف و توسعه میادین نفتی ایران از طریق قراردادهای بیع متقابل، ترجمه، مجله حقوقی بین المللی، نشریه مرکز امور حقوقی بین المللی ریاست جمهوری، ۲۶(۴۱): ۲۶۲-۲۴۳.
- قنبری جهرمی، محمدجعفر، اصغریان، مجتبی. (۱۳۹۴). مطالعه تطبیقی ترتیبات مالی قراردادهای خدماتی نفتی عراق و ایران، مطالعات حقوق تطبیقی، ۶(۱۲): ۷۷۱-۷۵۱.
<https://www.sid.ir/fa/journal/ViewPaper.aspx?id=272840>
- کلایوم، اشمیتوف. (۱۳۷۷). حقوق تجارت بین الملل، جلد اول ترجمه شده زیر نظر بهروز اخلاقی، تهران: سمت.
- گودرزی، زهرا، باقری، محمود. (۱۳۹۴). تحلیل قوانین جدید در حوزه نفت و گاز و بررسی ظرفیت قانونی موجود در پذیرش تحولات قراردادی، مطالعات حقوق انرژی، ۱(۲): ۱۶۶-۱۵۳.
<https://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/1187775/>
- Damianova, Kalina K. (2015). Iran's re-emergence on global energy markets (opportunities, challenges, implications). *EUCERS (European Centre for energy and Resource Security*, p.45.
<https://www.cassis.uni-bonn.de/en/forschung/european-cluster-for-climate-energy-and-resource-security-1/files/strategy-papers/strategy-paper-7>
- Mazeel, Muhammad. (2010). *Petroleum Fiscal Systems and Contracts*. Diplomica Verlag GmbH.
- Ghandi, Abbas & Lin, C.-Y. Cynthia. (2018). Economic Efficiency and Optimal Contractual Design of Iraq's Oil Service Contracts. 62 – 1.
file:///C:/Users/farsi/AppData/Local/Temp/2013_UCD-ITS-RR-13-20.pdf
- Jalo, Ismaila. (2013). The rights to explore petroleum, what manner of rights is best suited for the Iraqi Petroleum Industry?. *University of Dundee, CEPMLP Annual Review-CAR Volume 16*.
<https://www.springer.com/journal/13202>
- Mousa Jiyad, Ahmed. (2010). The fiscal Regime of Upstream Oil Contracts and and Rumaila Economics & Alahdab Disadvantages, *Presentation delivered before The 3rd Iraqi Petroleum Conference*. Imperial College. London, UK, 27 – 1.
<https://www.iraq-businessnews.com/wp-content/uploads/2012/03/Ahmed-Mousa-Jiyad-Development-of-and-Revenues-from-Upstream-Petroleum-Sector-in-Iraq.pdf>
- Oliveira, Marcelo. R. (2010). The overhaul of the Brazilian oil and gas regime: does the adaption of a production sharing agreement bring any advantage over the current modern concession system?. *OGEL*, 8(4).
www.ogel.org